



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۲۹ فروردین ۱۳۹۱
مصادف با: ۲۵ جمادی الاولی ۱۴۳۳
جلسه: ۲۹

موضوع کلی: جوامع روایی ثانوی
موضوع جزئی: مستدرک الوسائل
سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

در مورد کتاب مستدرک الوسائل نکات و مطالبی وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره کردیم، در مورد تعداد روایات کتاب و ترتیب ابواب این کتاب مطالبی بیان شد، بنا بر آنچه که محدث نوری فرموده‌اند کتاب مستدرک در سامراء و خاتمه مستدرک در نجف به اتمام رسیده؛ یعنی مجموع این دو کتاب طی ۲۴ سال که مستدرک در سامراء در سال ۱۲۹۵ ه. ق و خاتمه مستدرک هم در نجف در سال ۱۳۱۹ ه. ق یعنی یک سال قبل از فوت محدث نوری تدوین شده است. در مورد این کتاب نکات دیگری هم هست که به آنها هم اشاره می‌کنیم.

ویژگی‌های کتاب مستدرک:

بنای محدث نوری در کتاب مستدرک بر این بوده که اگر در مورد بایی از ابواب وسائل روایت تازه و جدیدی پیدا نکرده آن باب را کلاً از مستدرک حذف کرده چون بنا نبوده روایاتی که در وسائل آمده دوباره در مستدرک آورده شود و تکرار گردد. نسبت مستدرک با وسائل مثل نسبت کتاب وافی با کتب اربعه نیست چون مرحوم فیض کاشانی در کتاب وافی در واقع همه روایات کتب اربعه را طبق یک ترتیب و تبویب خاصی تنظیم کرده و آیات را هم به آنها ضمیمه کرده و در بعضی موارد هم روایات را شرح داده است اما مرحوم محدث نوری در حقیقت تکمله‌ای بر وسائل نوشته‌اند که معنای تکلمه این است که روایاتی را که در وسائل نیامده در مستدرک آورده لذا اگر بایی در وسائل وجود دارد که ایشان در مورد آن باب روایت جدیدی پیدا نکرده آن باب را از مستدرک حذف کرده در عین حال روایاتی که مرحوم شیخ حر عاملی ذکر نکرده و در ابواب وسائل هم گنجانده نمی‌شد، ایشان ابوابی را در مستدرک اضافه کرده و آن روایات را ذکر کرده است؛ مثلاً فرض کنید به نظر ایشان در وسائل در احکام مربوط به عبادات در باب صلوة لازم بوده بایی در آن منعقد شود که روایاتی که در وسائل نیامده را در آن بگنجانند و این روایات هم قابل گنجاندن در ابواب وسائل نبوده لذا ایشان بایی را منعقد کرده و این روایات را در آن باب قرار داده است یعنی یک باب جدیدی ایجاد کرده است. نکته دیگری که در مستدرک وجود دارد این است که در پایان ابواب، مطالبی را که مربوط به آن ابواب است با عنوان نوادر بیان کرده چون مطالبی بوده که مناسب نبوده در ضمن ابواب مطرح شود.

کار دیگری که محدث نوری در مستدرک انجام داده این است که بعضی روایاتی که در بابی ذکر شده ولی به نظر محدث نوری مناسب‌تر بوده در باب دیگری ذکر شود، آن روایت را از بابی که صاحب وسائل در آن باب نقل کرده به بابی که به نظر خود ایشان مناسب‌تر بوده منتقل کرده است.

نکته دیگر اینکه بعضی از روایاتی که در وسائل با سند ضعیف آورده شده در مستدرک با سند صحیح نقل شده است؛ مثلاً روایاتی وجود دارد که در وسائل با یک طریقی آمده که آن طریقی ضعیف است اما مستدرک طریقی دیگری را ذکر کرده که آن طریقی صحیح است؛ یعنی اگر ما بخواهیم یک معیار کلی برای روایاتی که در مستدرک آمده ارائه دهیم این است که روایاتی که ایشان در مستدرک نقل کرده حتماً واجد یک ویژه‌گی جدید بوده؛ یعنی هیچ روایتی از وسائل بدون دلیل در مستدرک تکرار نشده است. پس روایاتی که محدث نوری در مستدرک آورده است یا اصلاً در وسائل ذکر نشده یا اگر در وسائل ذکر شده حتماً یک ویژه‌گی خاصی داشته که ایشان آن روایت را در مستدرک تکرار کرده است که این ویژه‌گی یا مربوط به سند روایت است؛ یعنی مثلاً در وسائل سند روایت ضعیف بوده و در مستدرک آن روایت با سند صحیح ذکر شده است و یا باب آن را عوض کرده؛ یعنی روایت را با همان سند و متنی که در وسائل آمده در باب دیگری آورده است. یا دلالت روایت به گونه‌ای بوده که مناسب‌تر بوده در باب دیگری آورده شود. بهر حال هر روایتی که از کتاب وسائل در مستدرک ذکر شده حتماً یک ویژه‌گی خاصی از جهت سند یا روایت در آن بوده که در مستدرک تکرار شده است.

البته بعضی از روایاتی هم که در وسائل به صورت مسند آمده در مستدرک به صورت مرسل ذکر شده است.

منابع مستدرک الوسائل:

مطلب دیگری که مهم است مربوط به منابع کتاب مستدرک است، در اینکه منابع این کتاب چه تعداد است خود محدث نوری در خاتمه مستدرک در فائده اولی درباره اعتبار منابع کتاب و مؤلفان آنها بحث مبسوطی دارد اما اجمالاً کتاب‌هایی که ایشان به عنوان منبع مورد استفاده قرار داده علی‌رغم اینکه خود محدث نوری در مقدمه می‌گوید من روایاتی را آورده‌ام که منبع یا اصل کتاب در اختیار صاحب وسائل نبوده یا اگر کتاب و اصل مورد نظر در دسترس شیخ حر عاملی هم بوده ایشان توجه نکرده و غفلت کرده و روایت را در وسائل نیاورده است ولی وقتی به لیست منابع کتاب که خود محدث نوری ذکر کرده مراجعه می‌شود ملاحظه می‌شود که ایشان نام بعضی از کتب را می‌برد که شیخ حر عاملی در حاشیه بر خاتمه وسائل صریحاً فرموده این کتاب‌ها مورد قبول نیستند؛ یعنی بخشی از روایاتی که محدث نوری در کتاب مستدرک مستنداً به بعضی از منابع نقل کرده به تصریح خود شیخ حر عاملی مورد قبول ایشان نبوده چون منبع مورد نظر از دید ایشان معتبر نبوده و عدم ذکر روایت از ناحیه صاحب وسائل دلیل بر این نیست که ایشان منبع و کتاب مورد نظر را ندیده است بلکه چون آن منبع به نظر ایشان معتبر نبوده از آن روایت نقل نکرده است. خود شیخ حر عاملی نام ۱۳ کتاب را ذکر می‌کند و می‌گوید این کتب مورد قبول نیست اما محدث نوری به آنها استناد کرده و مورد قبول ایشان بوده است. این

خودش یک نقطه اختلاف است که اگر بعضی روایات در وسائل نقل نشده بخاطر این بوده که اصل منبع و طریق آن به نظر صاحب وسائل معتبر نبوده است از جمله عوالی اللثالی، مصباح الشریعة و فقه رضوی که شیخ حر عاملی آنها را معتبر نمی‌داند ولی محدث نوری معتبر می‌داند.

بهرحال کتبی که به عنوان منبع اصلی روایات مستدرک از آنها نام برده شده دو دسته‌اند؛ بخشی از این کتاب‌ها معتبرند و بخش دیگر معتبر نیستند، حال اینکه در بین حدود ۸۰ کتابی که منبع مستدرک هستند کدام معتبر است و کدام معتبر نیست باید تک تک آنها بررسی شود که ما فعلاً وارد این بحث نمی‌شویم و باید در جای خودش به آن پرداخته شود اما اجمالاً باید توجه داشته باشید که منابع مستدرک یا معتبرند و یا معتبر نیستند که باید مورد بررسی قرار بگیرد تا معلوم شود کدام معتبر و کدام معتبر نیست. آنچه ذکر شد مختصری درباره خود کتاب مستدرک بود که حدود ۱۸ جلد است.

خاتمه مستدرک:

محدث نوری در خاتمه مستدرک هم که حدود ۹ جلد است مطالب بسیار مهمی را فرموده است، صرف نظر از اینکه این مطالب بعضاً محل اشکال واقع شده اما اجمالاً عرض می‌کنیم که ایشان مطالب بسیار مفیدی را طی ۱۲ فائده بیان کرده است. عمده‌ترین مباحثی را که ایشان در این ۱۲ فائده بیان کرده مباحث مهم رجالی و مسائل مربوط به علم حدیث است که فهرست اجمالی مطالبی که در خاتمه آمده به شرح ذیل می‌باشد:

فائده اول: درباره منابع کتاب است.

فائده دوم: درباره اعتبار منابع کتاب و مؤلفان و صاحبان این کتب می‌باشد.

فائده سوم: مربوط به مشایخ روایی محدث نوری است که محدث نوری مشایخ روایی خودش را در این فائده به همراه سندش به آن منابع ذکر کرده است.

فائده چهارم: در این فائده به مطالبی درباره کتاب کافی پرداخته است.

فائده پنجم: شرحی است بر مشیخه من لایحضره الفقیه، اگر به خاطر داشته باشید ما در مورد کتب اربعه عرض کردیم که مرحوم صدوق برای اینکه جلو تکرار و طولانی شدن کتاب من لایحضره الفقیه را بگیرد و چون بنا داشته کتاب، مختصر باشد بسیاری از اسناد را در مقام نقل روایت حذف کرده و آنها را در بخش پایانی کتاب به نام بخش مشیخه آورده است؛ یعنی طرقتی که ایشان به امام معصوم (ع) داشته‌اند را در مشیخه نقل کرده‌اند. حال محدث نوری در فائده پنجم بحثی را به عنوان شرح مشیخه من لایحضره الفقیه آورده‌اند.

فائده ششم: مطالبی است درباره تهذیبین (تهذیب الأحکام و استبصار) و مشیخه تهذیبین.

فائده هفتم: درباره اصحاب اجماع است.

فائده هشتم: به توثیق اصحاب مجهول امام صادق (ع) می‌پردازد؛ یعنی در بین اصحاب امام صادق (ع) کسانی بوده‌اند که مجهول بوده‌اند و محدث نوری آنها را توثیق می‌کند.

فائده نهم: در مورد الفاظ مدح و توثیق است که چه الفاظی بر وثاقت دلالت دارد و با چه الفاظی کسی مدح می‌شود مثلاً الفاظی که از خود ائمه معصومین (ع) درباره بعضی از اصحاب وارد شده یا خواص از اصحاب ائمه (ع) مطالبی را درباره بعضی از اشخاص گفته‌اند یا حتی علماء علم رجال مثل شیخ طوسی، نجاشی و امثال اینها تعابیری را در مورد اشخاص بکار برده‌اند. این خیلی مهم است که این تعابیر دلالت بر مدح یا توثیق شخص کند، بعضی از الفاظ صریح در توثیق است؛ مثلاً می‌گویند فلانی ثقه است، بعضی از الفاظ ظهور در توثیق دارند و بعضی دیگر به دلالت التزامی دال بر توثیق هستند اما بعضی از الفاظ هم به هیچ وجه بر توثیق دلالت ندارند و فقط دال بر مدح هستند مثل اینکه در مورد شخصی گفته شود عقیده او منطبق بر شیعه اثنی عشریه است یا اینکه گفته شود فلانی واجد صفات نیکو است یا اهل کرامت و مهمان نوازی و سخاوت است که همه اینها الفاظ مدح است و توثیق محسوب نمی‌شود.

فائده دهم: در مورد راویان معتبری است که در خاتمه وسائل نام آنها ذکر نشده است.

فائده یازدهم: به بحث و بررسی نظر اخباریین درباره حجیت قطع می‌پردازد.

فائده دوازدهم: پیرامون ارزش و منزلت علم حدیث است و در پایان هم مطالبی را راجع به خودش ذکر می‌کند که امروزه به آن خودنوشت می‌گویند؛ یعنی مطالبی که کسی درباره خودش بنویسد.

«والحمد لله رب العالمین»